

# حقایق چهل گانه قضیه فلسطین

بخش پایانی

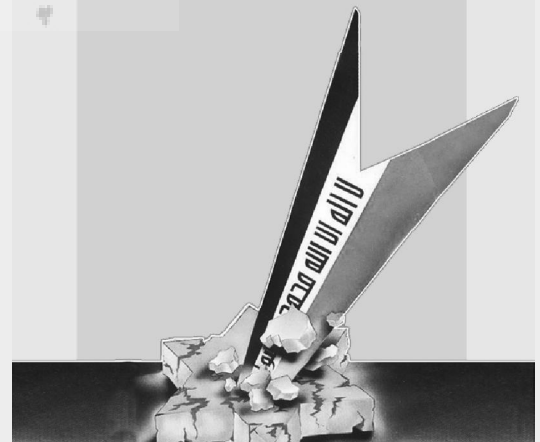
دکتر محسن محمد صالح  
ترجمه: محمد ابراهیم ساعدی

اشاره: در شماره قبل، بیست مورد از حقایق چهل گانه قضیه فلسطین ذکر شد. آنچه در پی می آید بخش دوم و پایانی این مطلب است.

۲۱- به درستی که برتری جویی و سلطه طلبی یهود بر روی زمین حقیقتی است انکارناپذیر و نفوذ یهودی صهیونیستی در محافل و مجامع تصمیم گیری و تأثیر گذاری جهانی، چه در عرصه سیاست و چه در رسانه های گروهی و یا اقتصاد، بویژه در ایالات متحده امریکا کاملاً مشهود و آشکار است. چنانکه خداوند سبحان راه های برتری و نفوذ را برایشان مقدر ساخته است، نباید این امر را بیش از اندازه بزرگ کرد و نباید به گونه ای به یهود نگرست که گویی در پشت هر حادثه کوچک و بزرگی قرار دارند، یا اینکه گویی تقدیر غالب الهی می باشند. چرا که آنها نیز از جنس بشر هستند که خداوند متعال آنان را آفریده است و سنت های الهی در جهان هستی بر آنان نیز جاری می گردد، از آن جمله سنت الهی در تدافع و چرخش روزگار. و اگر آنان - به تقدیر خداوند - با جدیت، پشتکار و برنامه ریزی دقیق و خوب خود موفق می شوند، فاجعه های زیادی نیز در طول تاریخ دامنگیرشان شده است. باید به این علو و برتری به عنوان محرک و انگیزه ای برای مسلمانان در قبال مبارزه جویی یهود و کامل کردن شروط جانشینی در زمین و جنبش متمدنانه نگرست.

۲۲- صهیونیست ها بیشتر روی یهودی سازی شهر قدس تکیه کردند، آنها ۸۶٪ از قدس را اشغال کرده و آن را در اختیار مهاجرین یهودی قرار دادند (بر اساس سرشماری سال ۲۰۰۰، ۴۵۰ هزار یهودی و ۲۰۰ هزار فلسطینی). و در منطقه قدس شرقی - جایی که مسجد الاقصی قرار دارد - حدود ۲۰۰ هزار یهودی را - بعد از احاطه قدس شرقی با حلقه ای از شهرک های یهودی و جدا کردنش از محیط عربی و اسلامیش - اسکان دادند و اعلام کردند که قدس پایتخت ابدی رژیم صهیونیستی است.

یهودیان صهیونیست به تسلط بر مسجد الاقصی پرداختند و دیوار غربی مسجد الاقصی (دیوار براق) را مصادره کرده و محله «مغاره»



در مجاورت مسجد الأقصی را ویران نموده و زمینش را مصادره کردند و تا به حال ده مرحله از حفاری های زیر مسجد الأقصی را به پایان رسانیده و چهار تونل در زیر مسجد به گونه ای حفر کرده اند که در هر لحظه امکان ریزش و خرابی مسجد وجود دارد. حدود ۲۵ سازمان تروریستی که هدفشان انهدام مسجد الأقصی و برپایی هیکل یهودی به جای آن است، تشکیل شده است و در طول سال های ۱۹۶۷-۱۹۹۸ بیش از ۱۱۲ عملیات خصمانه علیه مسجد الأقصی انجام دادند که تعداد ۷۲ عملیات آنها بعد از معاهده اسلو و مشهورترین آنها سوزاندن مسجد الأقصی در اوت ۱۹۶۹ بود.

۲۳- پناهندگان فلسطینی بر حقشان در بازگشت به وطنشان پافشاری نمودند و تمامی طرح های پیشنهادی برای اسکان در خارج از سرزمینشان را که به ۲۴۳ طرح رسید، رد نمودند و علی رغم اینکه سازمان ملل ده ها قننامه در مورد حق پناهندگان در بازگشت به میهنشان تصویب و صادر کرد اما هیچ یک از آنها به خاطر رد صریح رژیم صهیونیستی و عدم جدیت کشورهای بزرگ و جامعه جهانی در اجبار رژیم صهیونیستی بر اجرای آن، عملی نشد. تا سال ۲۰۰۲ تعداد پناهندگان فلسطینی که از خانه و کاشانه خود در سال ۱۹۴۸ رانده شده اند به بیش از ۵ میلیون ۳۷۰ هزار نفر می رسد و حدود یک میلیون و دویست هزار فلسطینی از اهالی کرانه غربی رود اردن و نوار غزه نیز از بازگشت به وطنشان محروم می باشند؛ یعنی چیزی حدود ۶ میلیون ۵۷۰ هزار پناهنده که ۷۰/۷٪ از جمعیت فلسطین را تشکیل می دهند که بزرگترین میزان پناهندگان در جهان را تشکیل می دهند. مسئله پناهندگان فلسطین دیرینه ترین، طولانی ترین و بزرگترین فاجعه بشری پناه جویان در قرن بیستم و بیست و یکم به شمار می آید.

۲۴- سازمان ملل از سال ۱۹۴۹ تا ابتدای دهه هفتاد قرن بیستم با مسئله فلسطین به عنوان مسئله پناهندگان برخورد می کرد و از سال ۱۹۷۴ از طریق مجمع عمومی، تصویب قطعنامه های بسیاری را با اکثریت قریب به اتفاق آراء مبنی بر اعطای حق تعیین سرنوشت به فلسطینیان، مشروعیت مبارزه فلسطینیان (حتی مبارزه مسلحانه) برای استرداد حقوق غصب شده، و اعتبار اینکه صهیونیسم یکی از اشکال تبعیض نژادی است و نیز غیر قابل تغییر بودن حق پناهندگان در بازگشت به وطنشان، آغاز کرد.

اما ایالات متحده امریکا و هم پیمانانش همواره برای حمایت از رژیم صهیونیستی در رد این قطعنامه ها و بی اعتنایی نسبت به آنها و در نطفه خفه کردن آنها و استفاده از حق "تو" برای جلوگیری از اجرای عملی یکایک آنها آمادگی کامل داشتند، در حالی که از این "مشروعیت" بین المللی برای ایجاد رژیم صهیونیستی در سرزمین فلسطین و تحکیم این رژیم استفاده کردند که این خود پرده از چهره زشت و ظالمانه این "مشروعیت" بر می دارد. در طول تاریخ مسئله فلسطین یکی از چالش های بزرگ، طرفداری بی قید و شرط قدرت های بزرگ از اقدامات صهیونیستی بوده است، بویژه در پذیرفتن حق صهیونیست ها در برپایی کشوری صهیونیستی در سرزمین هایی که در سال ۱۹۴۸ غصب نموده اند، یعنی ۷۷٪ از خاک فلسطین.

۲۵- مقطع زمانی بین سال های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۰ دوره طلایی مقاومت در فلسطین به شمار می رود؛ مقاومت فلسطین از سال ۱۹۷۱ از به کارگیری خاک اردن برای انجام عملیات محروم شد و علی رغم اینکه بعد از آن تمرکزش در خاک لبنان بود ولی در اثنای جنگ داخلی لبنان ۱۹۹۰-۱۹۷۵ همواره مورد هدف و در شرف نابودی بود. تجاوز مستمر صهیونیست ها و حمله به جنوب لبنان در سال ۱۹۷۸ و ایجاد کمربند امنیتی تجاوز کارانه و حمله دوباره به جنوب لبنان در سال ۱۹۸۲ و هدف قرار دادن زیرساخت های مقاومت و اجبار "ساف" و جنگجویانش به عقب نشینی از لبنان، همه اینها باعث شد که تمام مرزهای کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی در برابر مقاومت فلسطین مسدود شود.

۲۶- قیام فلسطین از برادران سازش ناپذیر عرب رنج های بسیار سختی کشید، نیروها و خون هایش در مناقشه با حکومت های عربی که در صدد تربیت، کنترل، سخن گفتن به نام آنها و بی اعتنایی به قیام فلسطین بودند، هدر رفت و بعد از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ علیه رژیم صهیونیستی که در واقع پیروزی های معنوی برای مصر و سوریه در پی داشت و بعد از قرار دادن "ساف" به عنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین در سال ۱۹۷۴، به تدریج احساس مسؤلیت اعراب در قبال مسئله فلسطین کم رنگ شد و با امضای پیمان کمپ دیوید در سپتامبر ۱۹۷۸ توسط مصر، نیرومندترین قدرت عربی از نبرد عربی -

☑ در طول تاریخ مسئله فلسطین یکی از چالش های بزرگ، طرفداری بی قید و شرط قدرت های بزرگ از صهیونیستی بوده است.



تمام مشکلات را به شیوه مسالمت آمیز حل نماید. سازمان آزادی بخش با این قرارداد عملاً روی اهداف و مرام نامه اش خط بطلان می کشد.

و آنچه که در مقابل دستگیر رهبری سازمان می شود این است که "اسرائیل" آنها را به عنوان نماینده مردم فلسطین به رسمیت می شناسد و حکومت خود گردان محدودی را در نوار غزه و بخش هایی از کرانه غربی در اختیار آنها می گذارد و مقرر می شود که مسائل مهم دیگر در خلال پنج حل و فصل گردد.

۲۹- قرارداد "غزه - اریحا" با مخالفت شدید فلسطینیان، اعراب و مسلمانان مواجه شد که بارزترین نکات اعتراض از این قرار بود:

- فتوای صادره از علمای مورد اعتماد مسلمانان مبنی بر عدم جواز حل و فصل مسالمت آمیز با رژیم صهیونیستی و ضرورت جهاد مقدس برای آزادی خاک غصب شده و استرداد کامل آن در زیر پرچم اسلام و تلقی این نبرد به عنوان نبرد میان حق و باطل، که تا اذن خداوند برای پیروزی و تمکن نرسد، نسل ها آن را از یکدیگر به ارث می برند. و اینکه خاک فلسطین جزء موقوفات اسلامی است و هیچ کس حق چشم پوشی از آن را ندارد و هیچ نسلی حق ندارد که با ضعف و سستی، نسل های آینده را از حقشان محروم سازد. مسئله فلسطین، مسئله تمام مسلمانان است که به هیچ عنوان - زمان هر چه بگذرد - از حقشان صرف نظر نمی کنند و این مسئله تنها به فلسطینیان مربوط نمی شود، چه رسد به سازمان آزادی بخش یا رهبرانش.

- رهبری سازمان "ساف" به تنهایی و بدون مراجعه به ملت فلسطین، قرارداد اسلو را به رسمیت شناخته است و مخالفت قوی و نیرومندی در محافل اسلام گرا، ملی گرا، همه چپ ها و حتی در محافل سازمان "فتح" با این قرارداد وجود دارد.

- این قرارداد تصمیم گیری قطعی در مورد مهمترین و حساس ترین مسائل را به آینده موکول کرده است که حل و فصل آنها به خواست صهیونیست ها بستگی دارد که آنها هم از قدرت خود برای تحمیل شروط خود به طرف های فلسطینی ضعیف، استفاده کردند؛ بارزترین این مسائل عبارتند از:

- آینده شهر قدس،

صهیونیستی خارج شد، سپس جنگ ایران و عراق ۱۹۸۸-۱۹۸۰، و افت کمک های عمومی کشورهای خلیج به قیام فلسطینیان به خاطر پایین آمدن قیمت نفت، به اضافه حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ و نتایج جنگ دوم خلیج و ناهماهنگی کشورهای عربی و اسلامی، به علاوه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق، همه این امور منجر به تضعیف مقاومت فلسطین و تمایل رهبری "ساف" به سوی حل و فصل مسالمت آمیز و در نتیجه محدود کردن تلاشها در دایره ممکن سیاسی شد، بویژه که رهبری ساف آمادگی درونی برای عقب نشینی از برخی اصول در قبال استمرار در رهبری و نمایندگی فلسطینیان را داشت.

۲۷- با افزایش ضعف سازمان آزادی بخش فلسطین "ساف"، به تدریج جناح طرفدار حل و فصل مسالمت آمیز قضیه فلسطین با رژیم صهیونیستی، در داخل سازمان گسترش یافت. در نوامبر ۱۹۸۸ قطعنامه شماره ۱۸۱ سازمان ملل در مورد تقسیم فلسطین در میان اعراب و یهود و قطعنامه شماره ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل (مصوبه نوامبر ۱۹۶۷) که با مسئله فلسطین به عنوان مسئله پناهندگان رفتار می کند و طرفین را به حل و فصل مسالمت آمیز مسئله دعوت می نماید، از طرف سازمان "ساف" تأیید شد و در اکتبر ۱۹۹۱ سازمان "ساف" و کشورهای عربی مذاکرات مستقیم صلح با رژیم صهیونیستی را آغاز کردند. هیئت رسمی سازمان در مادرید، نزدیک به دو سال نتوانست با رژیم صهیونیستی به توافق برسد و هیچ پیشرفتی در مذاکرات حاصل نشد، مگر از خلال مذاکرات دیگری که مخفیانه در سپتامبر ۱۹۹۲ در اسلو انجام و منجر به عقد قرارداد اسلو یا "غزه - اریحا" شد. سازمان این قرارداد را رسماً با رژیم صهیونیستی در ۱۳ دسامبر ۱۹۹۳ در واشنگتن امضا کرد.

۲۸- رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین در قرارداد غزه - اریحا موجودیت اسرائیل را به رسمیت می شناسد و اشغال و مالکیت آن رژیم را بر ۷۷٪ از خاک فلسطین مشروع و قانونی می داند و تعهد می دهد که مقاومت مسلحانه و انتفاضه را متوقف سازد. همچنین سازمان "ساف" متعهد می شود که تمام بندهایی را که خواستار آزادی تمام فلسطین و نابودی رژیم صهیونیستی است از اساسنامه ملی خود حذف و ملغی اعلام نماید و تعهد می دهد که

✓ رهبری  
سازمان "ساف"  
به تنهایی و  
بدون مراجعه  
به ملت  
فلسطین،  
قرارداد اسلورا  
به رسمیت  
شناخته است و  
مخالفت قوی و  
نیرومندی در  
محافل  
اسلام گرا،  
ملی گرا، همه  
چپ ها و حتی  
در محافل  
سازمان "فتح"  
با این قرارداد  
وجود دارد.

انتفاضة  
اقصى، اصرار و  
پافشاری  
فلسطینیان بر  
حقشان در  
سرزمینشان و  
توجه گسترده  
ملت‌های  
مسلمان به  
انتفاضة، و بعد  
اسلامی مسئله  
را آشکار کرد و  
ددمنشی  
صهیونیست‌ها  
و چهره زشت  
مروجان صلح  
صهیونیستی را  
بر ملا ساخت.

- آینده پناهندگان فلسطینی،  
- آینده شهرک‌های یهودی نشین در کرانه غربی و نوار  
غزه،  
بعد از گذشت هشت سال از مذاکرات، هنوز هیچ یک از  
مسائل بزرگ حل نشده است، در حالی که رژیم  
صهیونیستی بدون هیچ احترامی به تعهدات و قراردادهای،  
به شدت مشغول یهودی سازی سرزمین‌های اشغالی است  
و تشکیلات خودگردان فقط اختیارات اداری و امنیتی ۱۸٪  
از کرانه غربی و ۶۰٪ از نوار غزه را در اختیار گرفته است،  
یعنی حدود ۷۲،۴٪ از مساحت تاریخی فلسطین، همین و  
بس. گرچه اختیارات اداری ۲۴٪ دیگر از مساحت کرانه  
غربی را نیز در دست دارد، ولی به لحاظ امنیتی تحت  
نظارت امنیتی مشترک با رژیم صهیونیستی است، بنابراین  
صهیونیست‌ها تسلط امنیتی و اداری کاملی بر ۵۸٪ از کرانه  
غربی و ۴۰٪ از نوار غزه دارند.  
- این طرح موافق با تمایلات صهیونیست‌ها در خلاص  
شدن از زیر بار مناطق پر تراکم فلسطین و چالش‌های  
فراوان امنیتی و اقتصادی آن بود. اسرائیل در رؤیای رهایی  
از نوار غزه که یکی از پر تراکم ترین مناطق جمعیتی جهان  
است به سر می برد، حتی در گذشته آن را به مصر پیشنهاد  
کرد که مصر از پذیرفتن آن امتناع ورزید.  
نتیجه عملی قرارداد این شد که حکومت خودگردان با  
توان اجرایی محدود و وابسته به اشغال گران، زیر سلطه  
مستقیم آنها قرار گرفت و رژیم صهیونیستی از حق وتوی  
تصمیمات و قوانین وضعی حکومت خودگردان  
بر خوردار شد، چنانکه حکومت خودگردان از حق تشکیل  
ارتش محروم است و نمی تواند بدون اجازه رژیم  
صهیونیستی هیچ نوع سلاحی را وارد کند.  
- تشکیلات خودگردان برای اثبات حسن نیت و ابراز  
علاقه به صلح مجبور شد هر گونه جهاد و عملیات  
مسلحانه‌ای علیه رژیم صهیونیستی راقلع و قمع و سرکوب  
کند و مجاهدان سازمان‌های فلسطینی را دستگیر نماید.  
۹ دستگاه امنیتی تشکیل داد تا مردم را از ریز و درشت زیر  
نظر بگیرند و نفس هایشان را نیز بشمارند. در حالی که  
عملکرد آن در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی  
خیلی ضعیف بود و فساد در دستگاه‌هایش بیدامی کرد.  
فشار امنیتی تشکیلات خودگردان بر مردم پس از شعله‌ور  
شدن انتفاضة مسجد الأقصى در سپتامبر ۲۰۰۰ کاهش

یافت.  
- مرزها همچنان تحت سیطره اشغالگران اسرائیلی باقی  
ماند و اجازه ورود به مناطق حکومت خودگردان و  
خروج از آن کماکان به عنوان یک حق مسلم در دست  
صهیونیست‌ها ماند.  
- قرارداد اسلو به حق فلسطینیان در تعیین سرنوشت  
تأسیس کشور مستقل اشاره ندارد و از کرانه غربی و نوار  
غزه به عنوان سرزمین‌های اشغالی صحبتی به میان  
نمی آورد.  
- این قرارداد راه کشورهای عربی را برای عقد توافقنامه  
و برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی کاملاً باز کرد و  
فرصت را برای نفوذ صهیونیسم در کل منطقه و تحقق  
تسلط اقتصادی و نابودی نیروهای اسلامی و ملی منطقه  
فراهم کرد.  
۳۰- انتفاضة مبارک ۱۹۹۴ - ۱۹۷۸ زمام تصمیم‌گیری را  
به داخل فلسطین منتقل کرد و جنبش اسلامی با قدرت  
تمام در صحنه ظاهر شد و عنصر اساسی مقاومت فلسطین  
گردید، بویژه از خلال جنبش مقاومت اسلامی "حماس"  
که شاخه نظامی جماعت اخوان المسلمین شمرده  
می شود. انتفاضة احساس همدردی و توجه عربی،  
اسلامی و بین‌المللی رانست به مسئله فلسطین زنده کرد؛  
ولی اوضاع و احوال حاکم و ذهنیت و طرز فکر رهبران  
فلسطینی و عربی اجازه شعله‌ور شدن و توسعه آن را به  
سمت آزادی نداد، بلکه در راستای سازش مسالمت‌آمیز  
با رژیم غاصب صهیونیستی از انتفاضة بهره‌برداری سریع  
و گذرای سیاسی کردند.  
۳۱- انتفاضة اقصی (از سپتامبر ۲۰۰۰ تا آوریل ۲۰۰۲)،  
اصرار و پافشاری فلسطینیان بر حقشان در سرزمینشان و  
توجه گسترده ملت‌های مسلمان به انتفاضة، و بعد  
اسلامی مسئله را آشکار کرد و ددمنشی صهیونیست‌ها و  
چهره زشت مروجان صلح صهیونیستی را بر ملا ساخت  
و سبلی محکمی به طرح سازش، که به زیان حقوق و  
ارزشهای امت در جریان بود، وارد نمود. فلسطینیان  
وضعیت بسیار سختی را متحمل شدند، بیشتر از ۲۱۰۰  
شهید دادند و بیش از ۳۵ هزار نفر از آنها مجروح گشت و  
درصد بی‌کاری به حدود ۵۸٪ رسید، ولی پایمردی  
شگفت‌انگیز و مقاومت دلیرانه آنها، که تمام گروه‌های  
فلسطینی در آن شرکت داشتند، برای اولین بار توازن



شناخت متقابل، همزیستی مسالمت آمیز و نیکوتر استوار است، پس اسلام مخالف "تروریسم" و کشتن بی گناهان است، چنانکه مخالف تعصب و تندروی است و در عین حال دین حقیقت، عدالت و آزادی است. نمی پذیرد که به بیروانش کسی ظلم کند، چنانکه به آنها هم اجازه نمی دهند تا به کسی ظلم نمایند. ذلت و خواری را به هیچ وجه نمی پذیرد و آنان را چنان تربیت کرده که با ارزشترین چیزهایشان را در دفاع از کرامت، خاک و مقدساتشان فدا می کنند. پس هیچ صلیحی در فلسطین نمی تواند بر اساس ظلم بر فلسطینیان، غصب حقوق و بیرون راندنشان از سرزمینشان، پایدار بماند. البته شاید تحمیل شروطی از سوی رژیم زورگو و قدرتمندی به ملت مستضعفی به "حل و فصل" موقت بیانجامد ولی هرگز منجر به صلح دائم نمی شود و جهاد در راه آزادی فلسطین همچنان یک فریضه، شرف و مدالی بر سینه هر انسان شرافتمندی هست، و غوغای رسانه های تبلیغاتی صهیونیسم و غرب که واژه هایی همچون "تروریسم"، "صلح" و "بنیادگرایی" را به بازی گرفته اند ارزشی ندارد.

۳۵- وجود رژیم صهیونیستی در فلسطین - قلب جهان اسلام - و انبار سلاح های کشتار جمعی از جمله ۲۰۰ بمب اتمی و توانایی بسیج و فراخوانی لشکری ۷۰۰ هزار نفری در عرض ۷۲ ساعت، قتیله مشتعلی است که صلح و امنیت جهانی را هر لحظه تهدید به انفجار می کند و آژیر جنگ جهانی سوم را به صدا در می آورد. مسلمانان نیز بزودی به چنین سلاح های دست خواهند یافت و هرگز از خاکشان صرف نظر نخواهند کرد و رژیمی را که باعث تضعیف و پراکندگی آنان است، در قلبشان نخواهد پذیرفت و خواهند کوشید تا آن را همچون گذشته از میان بردارند و آنگاه قدرت های بزرگ در خواهند یافت که ظلم و ستمی را که بابه وجود آوردن این رژیم مرتکب شده اند، مرگ و نابودی را برای انسانیت به ارمغان خواهد آورد و به نفع این رژیم است که پیش از فرارسیدن آن لحظات وحشتناک خود را منحل نماید.

۳۶- مسلمانان با یهودیان به خاطر اینکه یهودی هستند نمی جنگند، چون ارتباط مسلمانان با اهل کتاب یا اهل ذمه بر اساس عدل و نیکی، و اعطای تمام آزادی ها و حقوق دینی و حقوق کامل شهروندی به آنان در حکومت اسلامی استوار است، و "مشکل یهودی" و دشمنی با نژاد سامی در

رعب و وحشت را با رژیم صهیونیستی به وجود آورد و صهیونیست ها در تمام فلسطین ضربات سختی دریافت کردند که به قتل حدود ۴۰۰ صهیونیست و جراحت بیش از ۱۷۰۰ تن دیگر انجامید، چنانکه استمرار انتفاضه منجر به سقوط امنیتی رژیم صهیونیستی شد، اقتصاد آن را دستخوش بحران کرد، بخش سیاحت و جهانگردیش را نابود ساخت و فرار فزاینده یهودیان را به خارج از فلسطین موجب شد و به این ترتیب انتفاضه دو پشتوانه ای را که طرح عظیم صهیونیستی بر آن استوار بود به لرزه انداخت، یعنی امنیت و اقتصاد.

۳۲- مسیحیان فلسطین همان ظلم، ستم و آوارگی ای را متحمل شدند که مسلمانان فلسطین متحمل شدند و از آغاز اشغال فلسطین توسط بریتانیا در جنبش ملی و میهنی فلسطین مشارکت داشتند و نمونه عالی وحدت و یکپارچگی ملی را در مقابل اقدامات صهیونیستی ارائه کردند و از عربیت فلسطین با زبان، قلم و سلاح دفاع نمودند و وابستگی خود را به هویت، زبان و میراث فرهنگی منطقه ابراز داشتند.

۳۳- به راستی که وطن دوستی و دفاع از خاک، ملت و مقدسات واجب شرعی و حقی انسانی است و احساسات وطن دوستانه و حب قوم و عشیره مادامی که موجب حرام کردن حلال یا حلال کردن حرامی نشود و متعرض حقوق دیگران نگردد، امری طبیعی و مطلوب است، و نهادها و مراکز فعالیت فلسطینی چه ملی و عربی و چه اسلامی و انسانی، نهادها و مراکز تمرکز گرای متکامل و هماهنگی هستند که نباید با هم در تعارض باشند.

از ظرفی تلاش برای علاج بیماریهای جامعه و تحقق دگرگونی فرهنگی و آمادگی برای برقراری حکومت اسلامی در زمین و کوشش برای تحقق وحدت عربی و اسلامی و سعی برای آزادی فلسطین، همه این موارد فعالیت هایی هستند که یکدیگر را کامل می کنند و در خدمت هم اند و می توانند بدون هیچ تعارض یا تضادی در کنار هم حرکت کنند.

۳۴- اسلام دین صلح و سلام است؛ "سلام" از نامهای خداوند است و مسلمانان با "سلام" گفتن به خوش آمدگویی یکدیگر می پردازند و بهشت "دارالسلام" است. اسلام دینی است که بر اعتدال، ملائمت و نیکویی استوار است و ارتباط با دیگران در اسلام بر تسامح دینی،

☑ ارتباط با  
دیگران در  
اسلام بر  
تسامح دینی،  
شناخت  
متقابل،  
همزیستی  
مسالمت آمیز و  
نیکوتر استوار  
است، پس  
اسلام مخالف  
"تروریسم" و  
کشتن  
بی گناهان  
است، چنانکه  
مخالف تعصب  
و تندروی است  
و در عین حال  
دین حقیقت،  
عدالت و آزادی  
است

اقتصادی، علمی و نظامی در جوامع مسلمان باشد تا مسلمانان شخصاً قادر به مواجهه با هزینه های جهاد و مسؤلیت های آزادسازی و تحقق شروط تمکن و جانپوشی در زمین و رهبری انسانیت باشند.

۳۹- شکست اقدامات یهودی - صهیونیستی در فلسطین نه تنها ممکن است بلکه حقیقتی است مؤکد و مسلم، چراکه بشارت پروردگار است در قرآن کریم، که هیچ باطلی به آن راه ندارد است، و مژده پیامبر معصوم است که از هوای نفس خود سخن نمی گوید؛ و انگهی سنت های خدای تعالی در جهان هستی و تجارب تاریخی به ما می گوید که ظلم پایدار نمی ماند و ستمگر همواره در معرض بلا و انتقام قرار دارد و حقی که پیگیر و خواهان دارد، از بین نمی رود.

۴۰- مسئله فلسطین مسئله ایست که دارای ابعاد انسانی بزرگی است؛ در وهله اول سمبل فریاد مظلومان بر سر مدعیان حقوق بشر است؛ افشاکنده نفاق و دوگانگی تمدنی است که به پیشرفت، دانش و تکنولوژی خود می بالد و حقوق حیوانات را رعایت می کند، در حالی که از سوی دیگر می پذیرد که بیش از شش میلیون و ۷۵۰ هزار پناهجوی فلسطینی از کشور خود طرد و رانده شوند. و بر اساس ادعاهایی که با منطق تاریخ، ارزش های مدنیت مدرن و قوانین بین المللی همخوانی ندارد، گروه های یهودی از گوشه و کنار جهان جایگزین ملتی شوند که ۴۵۰۰ سال در این سرزمین پیشینه دارد. و می پذیرند که خون ها در سرزمین مقدسی که باید پایگاه محبت و صلح باشد، ریخته شود. به راستی که جنبش صهیونیستی و اشغالگری در فلسطین، الگویی به جامانده از استعمار غربی اروپایی قدیمی است که از گوشه و کنار جهان برچیده شده است و دیر یا زود از فلسطین نیز برچیده خواهد شد. «ان شاء الله و ما ذلک علی الله بعزیز».



#### پیاورقی:

۱- دانشجوی مقطع دکترای تفسیر و علوم القرآن - مالزی.  
AbrahimH9@yahoo.com

اروپا به وجود آمده در جهان اسلام که همواره پناهگاه امنی برای یهودیان فراری از ظلم و ستم و تعصب دینی و قومی اروپا بود. اما مسلمانان با یهودیان صهیونیست متجاوز که خاک فلسطین را غصب کرده و حرمت مقدساتشان را دریده اند، می جنگند و آنها با هر گروه و جماعتی که در صدد اشغال خاکشان باشد، هر دین و هر ملیتی که داشته باشد، خواهند جنگید.

۳۷- اسلام باید پایه و اساس اقدامات برای آزادسازی فلسطین و نابودی صهیونیسم باشد، چون خداوند پیروزی بندگان خود را تضمین کرده است و اسلام عقیده امت است و خیر و رستگاری امت در آن است و اسلام در فراخوانی و بسیج آحاد مردم و جمع آوری نیروهای آنان تواناتر است و تجارب تاریخی فتح بیت المقدس و آزادسازی از چنگال صلیبیان و مغول ها، موفقیت راه حل اسلامی را ثابت کرده است. و تاریخ معاصر شکست ایدئولوژی های دیگر را به اثبات رسانیده است.

۳۸- بارزترین شاخصه های راه حل اسلامی برای مسئله فلسطین عبارتند از:

الف: پذیرفتن اسلام به عنوان عقیده، رفتار و برنامه زندگی و حکم نمودن بر اساس آنچه خداوند نازل فرموده است.

ب: رهبریت توانا، صادق و شجاع اسلامی فقط شایستگی مواجهه و شکست اقدامات صهیونیستی را دارد.

ج: توسعه دایره نبرد با دشمن یهودی - صهیونیستی، تا تمام جهان اسلام و وظیفه آرمانی خود را ادا نماید و عدم اختصاص نبرد به فلسطین یا دایره قومیت عربی، چون آزادسازی فلسطین بر هر مسلمانی فرض عین است و صهیونیست های یهودی اقدامات شان را به شکل جهانی و منظم اجرامی کنند، پس باید رویارویی هم سطح باشد تا به مرحله مبارزه طلبی برسد.

د: کمک به مردم فلسطین و پشتیبانی و حمایت از آنها ساماندهی و آماده سازی آنها با تمام ابزار و وسایل، تا آنها که خط مقدم دفاع از امت اسلامی را تشکیل می دهند، در سرزمین خود استوار بمانند و به مقاومت و جهادشان ادامه دهند.

ه: سعی و کوشش برای تحقق نهضت تمدنی که مقدمه ای برای تغییر و ارتقاء مثبت و فراگیر سیاسی،

#### مسئله

#### فلسطین

#### مسئله ایست

#### که دارای ابعاد

#### انسانی بزرگی

#### است؛ در وهله

#### اول سمبل

#### فریاد مظلومان

#### بر سر مدعیان

#### حقوق بشر

#### است.